

پیش‌خبروات

نظری به «روایت‌هایی از حاشیه‌دیدارهای حضرت آیت‌الله‌العظمی‌خامنه‌ای»

وقتی «روایت اول شخص از شخص اول» واگویه می‌شود

■ **سمانه صادقی**



اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، به واگویه روایت‌هایی روایت‌های حضرت آیت‌الله‌العظمی‌سید علی خامنه‌ای، رهبر انقلاب

اسلامی پرداخته‌است.
راوی خود در صحنه‌هایی که از آن سخن به میان آورده، حضور داشته و هر آنچه را که برای ثبت در تاریخ مناسب دیده، در این اوراق ثبت نموده‌است. این مجموعه از سوی مهدی فرزلی به نگارش در آمده و انتشارات انقلاب اسلامی، آن را روانه بازار کتاب ساخته‌است.
تارنمای ناشر در اشارت به مضمون و محتوای این حکایت‌ها، نکات بی‌آمده را از نظر دور نداشته‌است:

کتاب «روایت اول شخص از شخص اول»، مجموعه‌ای از روایت‌ها از ۱۰ سال همراهی مهدی فرزلی با برنامه‌ها و دیدارهای آیت‌الله‌سیدعلی خامنه‌ای است از سفر کردستان در سال ۱۳۸۸ تا برنامه‌های مختلف تا حدود سال ۱۳۹۷. نویسنده توضیح داده‌است این همراهی، برنامه‌ریزی‌شده نبوده و به‌تدریج شکل گرفته و او کوشیده‌است تا متن‌ها را برای امروز بازنویسی نکند تا سیر زمانی و فضای هر مقطع حفظ شود.
هر فصل از کتاب روایت اول شخص از شخص اول، به یک دیدار یا مجموعه‌ای از برنامه‌ها اختصاص دارد، مثل مراسم تعطی اسدوشی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش در نوشهر، دیدار عوامل سریال یوسف پیامبر، شب‌های عزاداری محرم در حسینیه‌امام خمینی، نمازهای ظهر در دفتر آیت‌الله خامنه‌ای، دیدار استاید دانشگاه تهران، جلسه‌مستولان جامعه‌المصلطی،الحاق ناوزکن جماران به ناوگان دریایی، بازدید از نمایشگاه صنعت خودروی ملی و سفر به مناطق عملیاتی جنوب.
روایت اول شخص



۱۳۵سفند ۱۴۰۳. در حاشیه دیدار با شاعران و اهالی فرهنگ و ادب فارسی

از شخص اول، بیش از آنکه گزارشی رسمی باشد، ثبت جزئیات فضای برنامه‌ها، رفتارها، گفت‌وگوهای کوتاه، واکنش‌های مردم، کام‌نندان، محافظان، خبرنگارها و خود نویسنده است. مهدی فرزلی، هم به توصیف صحنه و آدم‌ها پرداخته، هم به بازتاب جملات و نکات محوری سخنرانی‌های آیت‌الله خامنه‌ای دربار موضوعاتی مثل: امنیت، اقتدار نظامی، علم و صنعت، دانشگاه، فرهنگ دینی، جایگاه دعا، مطلوبیت جمهوری اسلامی و خودباوری ملی.
لحن نویسنده کتاب روایت اول شخص از شخص اول، صریح و خودفاشگر است. او از تجربه‌های گذشته‌خود در جلسه‌نشريات دانشجویی می‌گوید از هیجان و استرس دیدارهای نزدیک، از شوخی‌های دوستان رسانه‌ای، از دلخوری‌های کوچک و از لحظه‌هایی که فقط تماشاگر است و کاری جز نگاه کرن ندارد. عنوان فرعی این کتاب عبارت است از: روایت‌هایی از حاشیه دیدارهای حضرت آیت‌الله‌العظمی‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی).
روایت‌های حاضر از یک سفر استانی به کردستان آغاز می‌شوند و به‌تدریج به برنامه‌های متنوع دیگر می‌رسند؛ مثل مراسم نظامی، دیدارهای مردمی زیر باران، جلسه با عوامل یک سریال تلویزیونی، شب‌های محرم، نمازهای ظهر، نشست با استاید دانشگاه، دیدار با مسئولان نهادهای جزوی، بازدیدهای صنعتی و سفر به مناطق جنگی جنوب. نویسنده، رفتار و گفتار آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای را از فاصله‌ای نزدیک توصیف کرده‌است و نیز واکنش مردم، جوانان، هنرمندان، کارگران، مهندسان و روحانیان را.
در خلا این روایت‌ها، بخش‌هایی از سخنان آیت‌الله سید علی خامنه‌ای درباره امنیت، ایمان، اقتدار نیروهای مسلح، نقش علم و صنعت، سیاست در دانشگاه، جایگاه دعا و مطلوبیت جمهوری اسلامی نقل شده و تصویر بی‌پوسته‌ای از سیره و سبک حضور او در موقعیت‌های مختلف، شکل گرفته‌است…»



«چند گام با رهبر شهید انقلاب اسلامی، از آغاز نهضت تا شهادت»

در گفت‌وشنود با حجت الاسلام‌والمسلمین دکتر سید حمید روحانی

تاریخ‌شناسی اوبه‌جای تحلیل بر تجربه‌ومشاهده‌تکیه‌داشت

■ **محمدضا کائینی – مریم صادقی‌بری**

حجت‌الاسلام‌والمسلمین دکتر سیدحمیدروحانی از پژوهشگران برجسته تاریخ معاصر ایران و از نخستین مورخان نهضت امام خمینی و انقلاب اسلامی به شمار می‌رود. آشنایی ایشان با رهبر شهید، حضرت آیت‌الله‌العظمی‌سیدعلی‌خامنه‌ای به سالیان تحصیل در حوزه علمیه‌قم و پیش از آغاز همراه با همکارای و همراهی در جریان مبارزات انقلاب اسلامی و نیز انجام مصاحبه‌های تفصیلی با ایشان در دوران ریاست جمهوری، موجب شده‌است که دکتر روحانی از زوایای مختلف علمی، فرهنگی، سیاسی و شخصیتی یا رهبر شهید آشنایی نزدیک داشته‌باشند. در این گفت‌وگو تلاش شده‌است تا با بهره‌گیری از خاطرات و مشاهدات ایشان، ایعاد کمترشناخته‌شده‌ای از زندگی، مبارزات، ویژگی‌های علمی و اخلاقی، شیوه‌خاطره‌گویی و سبک زندگی رهبر شهید مورد بررسی قرار گیرد. امید آنکه تاریخ‌پژوهان انقلاب اسلامی و عموم علاقه‌مندان را مفید آید.

■ ■ ■

گفت‌وگورا با این پرسش آغاز می‌کنیم که حضر تعالی از چه تاریخی بارهبر شهیدانقلاب اسلامی آشنا شدید؟ و در شخصیت ایشان، کدامین ویژگی‌هاو امتیازات را نسبت‌به‌اقران وهمگنان یافتید؟

آشنایی من با شهید آیت‌الله خامنه‌ای به سال ۱۳۴۰ و دوران تحصیل در مدرسه حجتیه‌قم بازمی‌گردد که آن رهبر شهید نیز در این مدرسه حجره داشت. آقای شیخ حسین ابراهیمی – که اکنون از سلک روحانیت بیرون رفته و به دکتر حسین ابراهیمی دینانی معروف است- با آن شهید هم حجره یا دوست بود. من چون با آقای ابراهیمی از سالیان گذشته و مدرسه مروی شناخت داشتم، به وسیله او با رهبر شهید آشنا شدم. البته در آن دوره، ارتباط مادر حد سلام و احوال‌پرسی بود. آنچه در آن دوران برای من جالب می‌نمود، روحیه خاص ایشان در مواجهه با حوادث و جریان‌ات حوزه بود. در آن سال‌ها گاه حوادثی در قم روی می‌داد که فضای حوزه را ملتهب می‌کرد. مثلاً در مقطعی، دو طلبه به جرم نه‌پای اهانت به زن بی‌حجاب دستگیر شدند و در شهرنایی مورد اهانت قرار گرفتند. هنگامی که آیت‌الله بروجردی از ماجرا آگاهی یافتند، به شدت ناراحت شدند و سرهنگ سجادی، رئیس شهرنایی قم را احضار کردند و وی فردی ظاهرالصلاح و در عین حال فریب‌کار بود، در نماز جماعت آیت‌الله بروجردی نیز حضور می‌یافت. آیت‌الله بروجردی با تندی او را مورد خطاب قرار دادند و فرمودند دیگر حق نگاه کرن ندارد. عنوان فرعی این کتاب عبارت است از: روایت‌هایی از حاشیه دیدارهای حضرت آیت‌الله‌العظمی‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی). روایت‌های حاضر از یک سفر استانی به کردستان آغاز می‌شوند و به‌تدریج به برنامه‌های متنوع دیگر می‌رسند؛ مثل مراسم نظامی، دیدارهای مردمی زیر باران، جلسه با عوامل یک سریال تلویزیونی، شب‌های محرم، نمازهای ظهر، نشست با استاید دانشگاه، دیدار با مسئولان نهادهای جزوی، بازدیدهای صنعتی و سفر به مناطق جنگی جنوب. نویسنده، رفتار و گفتار آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای را از فاصله‌ای نزدیک توصیف کرده‌است و نیز واکنش مردم، جوانان، هنرمندان، کارگران، مهندسان و روحانیان را. در خلا این روایت‌ها، بخش‌هایی از سخنان آیت‌الله سید علی خامنه‌ای درباره امنیت، ایمان، اقتدار نیروهای مسلح، نقش علم و صنعت، سیاست در دانشگاه، جایگاه دعا و مطلوبیت جمهوری اسلامی نقل شده و تصویر بی‌پوسته‌ای از سیره و سبک حضور او در موقعیت‌های مختلف، شکل گرفته‌است…»

رهبر شهید، انسانی بسیار بزرگوار و در عین حال گریزان از قدرت بودند. بارها اظهار می‌گفتند: وقتی دوره ریاست جمهوری شان تمام شود، دیگر هیچ مسئولیتی را نمی‌پذیرند و به کارهای علمی به ویژه بر سر تاریخ انقلاب اسلامی اهتمام می‌ورزند. ساده‌یستی و بی‌اعتنایی ایشان به مظاهر مادی و تشریفات، بسیار نمایان و بارز بود. با وجود مسئولیت‌های مهمی که در طول سال‌ها بر عهده داشتند، بسیار ساده و بی‌تکلف می‌زیستند

تاریخ

تاریخ ۶۰-۸۵۳۳



۱۳۶۱. حجت‌الاسلام‌والمسلمین سیدحمیدروحانی در کنار رهبر شهیدانقلاب اسلامی

آیت‌الله خامنه‌ای خود یک مورخ بودند. آنچه نقل می‌کردند، صرفاً بازگویی خاطره نبود، بلکه نوعی روایت تاریخی دقیق به‌شمار می‌آمد. ایشان از حافظه‌ای قوی، اشراف تاریخی و قدرت روایت‌گری بالایی بر‌خوردار بودند و همین ویژگی‌ها، خاطرات ایشان را به منبعی ارزشمند برای پژوهش‌های تاریخی تبدیل می‌کرد. وقتی یک کلمه می‌گفتم، ایشان بسیاری از مطالب از تاریخ بازگو می‌کردند که خودم هم نمی‌دانستم و برایم جالب بود

با توجه به اینکه شما با شهید آیت‌الله حاج سید مصطفی خمینی از تباطی نزدیکی داشتید، آیاکنته باخاطره‌ای از ارتباط ایشان با شهید آیت‌الله خامنه‌ای به یاد دارید؟

شهید آیت‌الله حاج آقا مصطفی خمینی با آیت‌الله خامنه‌ای ارتباط نزدیک و معاشرت داشت و گاهی به حجره ایشان رفت‌وآمد می‌کرد؛ من این موضوع را از نزدیک شاهد بودم. زمانی که امام خمینی به تبعید رفته بودند، روزی آقای حائری، پدر خان شهید حاج آقا مصطفی، حسین فرزند ایشان را که کودک بود، به حجره آیت‌الله خامنه‌ای در مدرسه حجتیه آورد. جزئیات بیشتری از این ماجرا در ذهنم باقی‌مانده‌است، اما اصل رفت‌وآمد و ارتباط میسان حاج آقا مصطفی و رهبر شهید را به خوبی به یاد دارم.

تا جایی‌که می‌دانیم، خاطرات آیت‌الله خامنه‌ای در چند مقطع مختلف ثبت و ضبط شده‌است. به نظر می‌رسد مصاحبه‌هایی‌که شما در دوران ریاست جمهوری ایشان انجام دادید از نظر غنای خاطرات و جزئیات روایت‌ها، جایگاه ویژه‌ای دارد. چه عواملی باعث این رویداد شد؟

خود ایشان بارها می‌گفتند؛ سوالات شما باعث می‌شود خاطراتی را به یاد بیاورم که شاید در حالت عادی به ذهنم نمی‌آمد. در آن دوره ایشان ذهن‌شان زنده بود و مقایسه باسال‌های بعد، مسئولیت‌های کمتری داشتند. فرصت می‌شد ساعت‌ها بنشینیم و درباره مسائل مختلف گفت‌وگو کنیم. همین امر موجب شد، خاطرات ارزشمند و مفصلی ثبت شود. ایشان انسانی بسیار بزرگوار و در عین حال گریزان از قدرت بودند. بارها اظهار می‌کردند؛ وقتی دوره ریاست جمهوری تمام شود، دیگر هیچ مسئولیتی را نمی‌پذیرند و به کارهای علمی به ویژه بررسی تاریخ انقلاب اسلامی اهتمام می‌ورزند.

یکی از ویژگی‌های برجسته رهبر شهید در بیان خاطرات، این بود که معمولاً وقایع را به‌گونه‌که رخ داده بود، با جزئیات و به صورت عینی روایت می‌کردند. متن خاطرات ایشان بیش از آن که مبتنی بر تحلیل باشد، بر مشاهده و تجربه مستقیم استوار بود. در روایت‌های سخنران رضایت‌نارند و انتظار نداشتند و انقلابی‌تری را دارند.

از سوی دیگر، آیت‌الله خامنه‌ای از نظر علمی نیز استعداد و توانایی کم‌نظیری داشتند. به اعتقاد من، اگر چند سال دیگر در قم می‌ماندم و مسیر تحصیل و تدریس را ادامه می‌دادم، بی‌تردید در شمار برجسته‌ترین عالمان و مجتهدان حوزه قرآنی می‌گرفتم. لیکن به دلیل شرایط ناخوشی پدرشان، تصمیم گرفتند به مشهد بازگردند. شنیدم در این باره با امام خمینی مشورت کرده بودند و امام نیز بر اهمیت خدمت به پدر و رسیدگی به‌امور ایشان تأکید ورزیدند.

قبل از این که امام را تبعید کنند، آیت‌الله خامنه‌ای دو بار به زندان رفتند. یک بار در بیرجند و یک بار هم در زاهدان. آیا این وقایع، در حوزه و میان انقلابیان بازتابی داشت؟

بله، بازتاب گسترده‌ای داشت؛ خصوصاً چون در آن زمان کمتر اتفاق افتاده بود که طلبه‌ای را دستگیر کنند.

در چنین شرایطی بود که رهبری شهید، در بیرجند آن سخنرانی شجاعانه و انقلابی را ایراد کردند. آن هم تازه در پایگاه اسدالله علم؛ در راه‌زاهدان با شرایط آن روز آنجا که خیلی صدا کرد. ایشان پس از انجام مأموریت خود در رساندن پیام امام خمینی به علما و مراجع مشهد، در روز دوم محرم ۵۴خرداد) برای تبلیغ به‌شهر بیرجند رفت و در مدرسه طلاب علوم دینی مستقر شد و تا ۷محرم در مساجد و حسینیه‌های بیرجند برای مردم سخنرانی کرد. در یکی از این سخنرانی‌ها به‌سلطه‌غرب بر ایران پرداخت و در ادامه به حادثه مدرسه فیضیه اشاره داشت که شونندگان و مخاطبان سخت متقلب شدند و گریستند.



۳۰. حیدرآباد، خراسان



د

درد زندگی نامی نمی‌خورد، برای چه آن را به منزل فرستاده‌ای؟ از شنیدن این حرف بسیار خوشحال شدم و فوراً گفتم: درست می‌گویید، اشتباه شده‌است، باید به نهاد ریاست‌جمهوری فرستاده‌شود.» این نمونه‌ها به خوبی نشان می‌داد؛ ساده‌زیستی برای ایشان یک رفتار مقطعی یا نمایشی نبود، بلکه بخشی از سبک زندگی و منش شخصی ایشان به‌شمار می‌رفت.

با توجه به شناختی که شما از امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای در ادوار مختلف حیات آن دو بزرگ دارید، قدری از نگاه واقعی «رهبر شهید انقلاب» به «رهبر کبیر انقلاب» بگویید؟

ایشان واقعاً عاشق امام بودند. هیچ حرکتی را بدون نظر و دستور امام انجام نمی‌دادند. هر امام دستوری داشتند؛ ایشان با جدیت وارد عمل می‌شدند؛ چه در اعزام به شهرهای مختلف برای تبلیغ و چه در پذیرش مسئولیت‌ها و انجام وظایف. تنها موردی که برخی به آن استناد می‌کنند، در جریان انتخاب مجدد میر حسین موسوی به نخست‌وزیری پیش آمد. یادمان‌است که ۹۹ نفر از نمایندگان مجلس به او رأی عدم اعتماد دادند، شنیدم که آیت‌الله خامنه‌ای در یک سخنرانی در جمع نمایندگان مجلس گفته بودند: «اسم مرا هم به آن ۹۹ نفر اضافه کنید و بنویسید... ۱۰۰ نفر!» بعدها نیز توضیح داده شد که در آن ماجرا، امام حاضر به صدور حکم مستقیم درباره موسوی نشده و فرموده بودند: «هر تصمیمی که خودشان صلاح می‌دانند، بگیرند.» آیت‌الله خامنه‌ای نیز در پاسخ گفته بودند: «گر قرار است حکم نباشد و من به تشخیص خود عمل کنم، او را صالح نمی‌بینم.» لیکن امام حکم نمی‌کردند و تنها تأکید می‌کردند؛ نخست‌وزیری او به مصلحت است. با این حال، این تنها موردی بود که در آن تفاوت دیدگاه بروز کرد. در مجموع آیت‌الله خامنه‌ای نسبت به امام، نهایت محبت، ارادت و تبعیت را داشتند و از نزدیک‌ترین یاران و همراهان فکری و عملی ایشان به‌شمار می‌رفتند. از نظر من، میزان علاقه و احترام ایشان به امام، در میان بسیاری از همراهان نهضت کم‌نظیر بود. **در مورد اعتراضی که شما نسبت به مطلبی در برده آیت‌الله بهبهانی در کتاب‌های درسی مطرح کردید و نامه‌ای بسه امام خمینی نوشدید، امام موضوع را به آیت‌الله خامنه‌ای رجوع دادند. روند بررسی موضوع چگونه پیش رفت و نتیجه چه شد؟**

امام خمینی طی نامه‌ای، موضوع را به آیت‌الله خامنه‌ای ارجاع دادند و ایشان هبنتی را برای گفت‌وگو با این حقیر و بررسی موضوع، به مرکز اسناد انقلاب اسلامی فرستادند. از جمله اعضای این هیئت آقایان: عطاه‌الله مهاجرانی (به عنوان نماینده رسمی آقای خامنه‌ای)، سید کاظم اکرمی (وزیر اسبق آموزش و پرورش)، غلامعلی حداد عادل و زرگرزاد (نویسنده کتاب مورد اعتراض) و چند نفر دیگر بودند. من از آقای زرگرزاد پرسیدم بر چه اساس و با کدام مدرک و سند، نوشته‌اید مردم به دستور محرم بهبهانی به سفارت انگلیس رفتند! ایشان پاسخ داد: بر اساس تحقیقات خودبه‌این نتیجه رسیدم. به محض این نظر او آقای مهاجرانی بی‌درنگ جواب داد: «نظر و نتیجه شخصی برای خودت حجت و معتبر است. شما حق نداشتی برای شخصی خود را در کتابی که به نظام جمهوری اسلامی مربوط است؛ بگنجانی باید بگویم اشتباه کرده‌ای.» در پایان روشن شد، ادعای اینکه مردم به دستور آیت‌الله بهبهانی به سفارت انگلستان رفته‌اند، خلاف واقع است و باید اصلاح شود. پس از این بررسی و جمع‌بندی، آیت‌الله خامنه‌ای در نامه‌ای به امام گزارش دادند اشکالات مطرح‌شده وارد است و اصلاح متن کتاب انجام خواهد شد و در نهایت نیز این اصلاح صورت گرفت.

با توجه به اینکه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان یکی از رهبران برجسته اسلامی تاریخ معاصر، مکاناست و نقش والایی داشتند، شهادت ایشان را چگونه تحلیل و ارزیابی می‌کنید؟

از نظر من، ایمن حادثه بیابنگر یک توطئه بسیار گسترده و حساب‌شده بود. هدف اصلی، ضربه‌زدن به ریشه‌های انقلاب و از هم پاشیدن ساختار آن بود. در سطح منطقه نیز نشانه‌های مشابهی دیده می‌شد؛ در سوریه وضعیت به گونه‌ای ویرانگر پیش رفته بود. در لبنان به حزب‌الله فشارهای سنگینی وارد شده بود و در داخل ایران نیز تلاش کردند با هدف قرار دادن فرماندهان، ستون‌های انقلاب نظام و نهایتاً رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، شیرازه کشور از هم بپاشد. با این حال، زنجیره توطئه‌ها به نتیجه نرسید. رهبر انقلاب نیز در همان شرایط و با قاطعیت پاسخ دادند که چنین توطئه‌هایی قادر به این بردن این نظام نخواهد بود. نظام جمهوری اسلامی، به‌فرد وابسته نیست. امام کبیر و امام شهید، شالوده نظام جمهوری اسلامی را به گونه‌ای محکم و قوی بنیان گذاشته و حراست از آن را به ملت آگاه، مقاوم و تزلزل‌ناپذیر ایران واگذار کرده بودند و نظامی که پایه‌های آن بر دوش ملتی قهرمان قرار داشته باشد، پایدار و چون کوه استوار است و با رفتن فرد یا افراد هرگز آسیب نمی‌بیند.

در واقع این رخدادها نشان داد، مسیری که از آغاز نهضت از سوی امام خمینی ترسیم شده بود و بر آگاهی و قدرت مردم تکیه داشت، چگونه به شکل‌گیری یک جامعه مقاوم منجر شده‌است. امام از آغاز نهضت در سال ۱۳۴۱، بر این باور بودند که قدرت واقعی در آگاهی و حضور مردم است. در ابزارهای نظامی، بر همین اساس، با استفاده از روش‌هایی مانند انتشار اعلامیه‌ها، روشنگری علما و حضور خطباء در میان مردم، جامعه به تدریج آگاه شد. این روند در ادامه نیز از سوی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دنبال شد و نتیجه آن شکل‌گیری ملتی بود که در برابر فشارها و بحران‌ها از هم نپاشید. امروز نیز آثار آن تربیت سیاسی و اجتماعی، در مقاومت و پایداری مردم کاملاً قابل مشاهده است. و مکروا و مکرالله و الله خیر الماکرین، و السلام علیکم و رحمت الله و بر کاته.